

اربعین عشق

مجلس اربعین کربلا، قم، چاپخانه سوره مهر، تهران، خرداد ۱۳۹۳

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت انتشار: اول / آذر ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

نشانی: تهران، خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،

معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خ جمهوری، بین کوچه ۱۶ و ۱۸ پ ۴۸

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۲ نمابر: ۰۲۵-۳۲۹۳۱۴۰۵

غیر قابل فروش

بسم الله الرحمن الرحیم



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آستانه

یک... دو... سه... چهار... پنج... شش... هفت... هشت... نه... ده...
یازده... دوازده...

اینها ثانیه‌های عمر ما هستند که در حال گذرند. ثانیه‌هایی که باز
نمی‌گردند و تن‌ها و تن‌ها یکبار زندگی می‌کنند.

و از خود سؤال کنیم که این ثانیه‌ها چگونه مصرف می‌شوند؟
چقدر از این ثانیه‌ها مصرف می‌شوند برای کاری که پوچ است و
بی‌هدف و بی‌دلیل؟!

ثانیه‌های عمر شما با ارزش است و بر همین اساس نوشتیم کتابچه‌ای
که وقت کمی از شما بگیرد. به مبارکی عدد چهارده، چهارده دقیقه
از وقت شما را می‌گیریم به خواندن این کتابچه. کتابچه‌ای که چهار
نکته دارد پیرامون اربعین حسینی علیه السلام.



«اولین اجتماع»

نام او به گوش همه رسیده است. دیگر همه او را می‌شناسند. از اصحاب رسول الله ﷺ بوده و در جنگ بدر در راه دفاع از دین خدا و رسولش شمشیر زده است. کسی که تمام عطف و مهر بانی خاص پیامبر ﷺ به نوه‌اش حسین بن علی (علیه السلام) را به نظاره نشسته است؛

در آغوش کشیدن حسین علیه السلام و بوسیدن‌های مکرر او توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیده است. کسی که نبی مکرم اسلام به او سفارش کرده سلامش را به فرزندش محمد بن علی امام باقر علیه السلام برساند. جابر همه‌ی تاریخ از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله تا امام پنجم را لمس کرده است. جابر بن عبد الله انصاری.

خبر فاجعه‌ی کربلا و شهادت نوه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله به گوش جابر رسیده است. شتابان از مدینه راهی کربلا می‌شود. خبر چنان آشفته‌اش می‌کند که تمام خودش را فراموش میکند و فقط می‌خواهد به نوه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله برسد. انگار نه انگار که نابینا و فرتوت شده

است. عطیة بن کوفی از اصحاب امیرالمومنین علیه السلام هم از دیار کوفه به او می پیوندد. جابر ابتدا در فرات غسل می کند و جامه سفید می پوشد و عطر می زند. گویا برای طواف خانه خدا می رود. تا به قبر حضرت می رسد از شدت غم و جودش تکبیر می گوید:

«الله اکبر...الله اکبر...الله اکبر»

طاقت نمی آورد و از هوش می رود. مدتی بعد به حال می آید و شروع می کند به صحبت با امامش. با سوزی از عمق جانش به ایشان سلام می فرستد:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ...!»^۱

از آن طرف کاروان اسرا باید از شام به مدینه فرستاده شوند. با تدبیر و اصرار پیامبر کربلا زینب کبری ع قرار می‌شود مسیر کربلا برای عبور انتخاب شود. چه شیردل اسیری است این زن! که راه را او معین می‌کند. چه سیاستی است که این جمع داغ دیده و زجر کشیده را دوباره به سرزمین کرب و بلا می‌کشاند که همه‌ی آن صحنه‌های فجیع را در خاطرشان زنده می‌کند؟

چهل روز دوری از اباعبدالله الحسین ع برای خواهر و زن و فرزندان

۱ . مراجعه کنید به قسمت زیارت اربعین در مفاتیح الجنان.

به سر رسیده است و اهل حرم برای مجلس چهلم عزیزانشان وارد کربلا می شوند. جابر و عطیه و دیگر عاشقان سید الشهداء علیه السلام به استقبال شاهدان روز واقعه می شتابند، شاید برای عرض تسلیت شاید هم برای تسلی گرفتن! اینجاست و اینگونه است که اولین اجتماع زائران ارباب عالم حاصل می شود. اجتماعی که سالها بعد و حالا بزرگترین اجتماع انسانی جهان در طول تاریخ است. اجتماع در اربعین حسین علیه السلام در کربلا.



«شاید این سیاستِ ولایتِ هم که زینب کبری علیها السلام اصرار کرد که برویم به کربلا- در مراجعت از شام- به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک اما پرمعنا، در آنجا حاصل شود.»^۲

۲ . بیانات رهبری در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷/۱۱/۲۸.



«درس اربعین حسینی (علیه السلام)»

در طول تاریخ وقایع زیادی اتفاق افتاده‌اند که دیگر حرفی از آنها به میان نیامده است و کم‌کم به دست فراموش سپرده شده‌اند. اما وقایعی که نسل به نسل نقل شده یا اینکه در تاریخ نوشته شده یا حرکتی در زنده نگه داشتن آن اتفاق افتاده است برای همیشه در یادها

ثبت خواهد شد.

اصولاً در مواردی که نیروی ظلم و فجایع وحشت بار آن زیاد بوده است، احتمال بیشتری در فراموشی آن هست زیرا نیروی ظالم از پنخش اخبار درست و به حق جلوگیری می کند و از طرفی با حربی دروغ و رشوه و... آن واقعه را به نفع خود بین دهان ها می چرخاند و در اذهان حک میکند. کم نیست در عالم از این وقایع که به نفع ظالم جلوه داده شده اند و ظالمی را مظلوم نمایان کرده اند.

حادثه غمناک و جان گداز کربلا از آن دست حوادثی است که اگر زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام و حتی دیگر اسرا و شاهدان قضیه

تسلیم قدرت زورگوی یزیدیان می شدند و سکوت می کردند و درون خودشان به عزاداری می پرداختند، قطعاً هیچ گاه یاد سیدالشهداء علیه السلام و ظلم بنی امیه تا به امروز اینطور زنده باقی نمی ماند. زیرا با آن تعداد کم، در گوشه ای از بیابان، در محیط اختناق آور حکومت ابن زیاد چنین اتفاقی افتاد و به راحتی امکان پوشاندن آن و تحریف کاملش وجود داشت.

یکی از حرکاتی که این دو بزرگوار برای اثبات حقانیت قیام اباعبدالله الحسین علیه السلام و بطلان حکومت های مقابل ائمه علیهم السلام، انجام دادند تبلیغ فرهنگ شهادت در راه احیاء دین خداوند متعال و تجدید

سنت رسول الله ﷺ بوده است.

حضرت زینب کبری علیها السلام - که بلندگوی حادثه‌ی عاشورا هستند - هم در بین راه کربلا به شام و هم در راه برگشت از شام به مدینه، همه جا از این رخداد، هدف حسین بن علی علیه السلام و ناحق بودن جبهه‌ی مقابل سخن به میان می‌آوردند. همان طور که می‌دانیم حتی در کاخ یزید هم حضرت سخنانی غرایبی می‌کنند و یزید ملعون را وادار به سکوت می‌نمایند.

جمع شدن کاروان اسرا برای اربعین عاشوراییان هم اقدامی در جهت بیان و ابلاغ فلسفه‌ی این قیام به تمام مردمان تاریخ است. با اینکه

حضرت می دانند عبور از کربلا و دیدن اجساد و زمین آغشته به خون اجساد برادرش و یاران‌شان دوباره غم اهل حرم را داغ می کند و باز خود ایشان باید به تیمار قلوب آنان پردازند، اما هدفی بسیار والاتر در پس پرده‌ی این کار قرار دارد که سختی کار به چشم نمی آید.

همان طور که امام خمینی رحمته الله درباره عزاداری و راه انداختن دستجات بسیار تاکید داشته‌اند و فرموده‌اند:

«سید الشهداء علیه السلام را این گریه‌ها حفظ کرده است و مکتبش را این مصیبت‌ها و داد و قالها حفظ کرده؛ این سینه زنی‌ها و این دستجات و عرض می‌کنم اینها حفظ کرده. اگر فقط مقدّسی بود و توی اتاق و

توی خانه می نشست برای خودش و هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند، نمانده بود چیزی، هياهو می خواهد. هر مکتبی هياهو می خواهد، باید پایش سینه بزنند، هر مکتبی ... تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی شود.^۳

۳ . صحیفه ی امام، ج ۸، ص ۵۲۶.



«اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر ﷺ، یاد نهضت حسینی علیه السلام برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. ما هستیم که با تصمیم درست و بجا، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه‌ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگه داریم. درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت.»^۴

۴ . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم (در تاریخ ۱۳۶۸/۶/۲۹).



«زیارت اربعین»

محرم که می آید موسیقی های مبتذل ضبط برخی ماشین ها جای
خودشان را به مداحی های پر شور حسینی می دهند، البته فقط ۱۰
روز اول!
محرم که می شود چادر سرش می کند و آرایشش را کنار می گذارد،

البته فقط ۱۰ روز اول!

به یاد حسین علیه السلام است و اشک می ریزد برای حضرت. ذکر لبش حسین حسین می شود، البته فقط ۱۰ روز اول!
 نذر می کند به عزاداران ارباب خدمت کند، چای بدهد، استکان بشوید، کفش جفت کند و... البته فقط ۱۰ روز اول!
 دهه اول محرم شور عجیبی در همه شیعیان می اندازد اما یادمان می رود که قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام فقط شور نمی دهد شعور هم دارد. اگر می دانم که کارهایم، زندگی ام و رفتارم اشتباه است باید همه اینها را به عشق محرم و حسین علیه السلام اصلاح شان کنم. نباید

بگذارم جهالتم فقط دهه اول محرم از بین برود و مابقی روزهای عمرم با شهوات و هوای نفس بگذرد. نباید غفلت از ارزش و بهای خودم را که در قیام حضرت نمایان شده است با دنیای پست و بهای لذت‌های اندکِ ناچیز عوض کنم.

حضرت اباعبدالله علیه السلام جان خود را فدا نکرد که ۱۰ روز برایش گریه کنیم و تمام! قطعاً ارزش حرکت امام را همه‌ی کسانی که همان دهه اول برخی کارهای اشتباه‌شان را به عشق ایشان کنار می‌گذارند، می‌فهمند، اما باید حواس مان باشد امام برای همه تاریخ زنده است و هدف مقدس‌شان چارچوب زندگی حسینی را برای همگان ترسیم

کرده است.

یادمان بماند که حسین بن علی علیه السلام را به اسم خدا و خروج از دین و با شعار الله اکبر کشتند و سر بریدند. اما نمی دانستند جهل و دنیا خواهی شان خون خدا را بر زمین جاری ساخت.

اربعین و زیارت اربعین و مضامین نابش فرصتی است برای بازگشت به هر آنچه در دهه اول محرم کنار می گزاریم برای حسین علیه السلام و به خاطر «او».



«یک جمله در زیارت اربعینِ امام حسین علیه السلام ذکر شده است که مانند بسیاری از جملات این زیارت‌ها و دعاها، بسیار پُر مغز و در خور تأمل و تدبّر است. آن جمله این است: «و بذل مهجته فیک» یعنی حسین بن علی، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لیستنقذ عبادک من الجهالة»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «و حیره الضلالة»؛ و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. این طرف قیام کننده؛ حسین بن علی علیه السلام است. طرف دیگر قضیه، در فقره بعدی معرفی می‌شود: «و قد توازر علیه من غرته الدنيا»؛ نقطه

مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بی خودشان کرده بود؛ «و باع حظه بالارذل الأدنی»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند.^۵

۵ . بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران (در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۶).



«بزرگترین اجتماع»

یک جستجوی کوچک که در اینترنت انجام دهیم و دنبال عظیم‌ترین اجتماع انسانی در طول تاریخ بگردیم، عنوان «پیاده روی اربعین» خوش می‌درخشد و رقم ۲۰ میلیون نفر در صفر سال ۱۴۳۵- یعنی اربعین پارسال- را به نمایش می‌گذارد.

از جمعیت ۷ میلیارد و اندی جهان که ۱/۶۲ میلیارد نفر مسلمان هستند و از این تعداد مطابق برخی منابع، شیعیان، یازده درصد جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. بدین سان، جمعیت کنونی شیعیان باید حدود ۱۳۲ میلیون نفر باشد و طبق برخی منابع شیعیان ۲۳ درصد کل مسلمانان را تشکیل می‌دهند.^۶ با این حساب چه چیزی است که باعث میشود بزرگ‌ترین اجتماع به پیاده روی برای زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) اختصاص یابد؟ و از طرفی این اجتماع تنها به شیعیان انحصار نمی‌یابد بلکه اهل سنت، مسیحیان و حتی یهودیانی هستند

۶ . سید مصطفی قزوینی، تحقیق‌هایی درباره شیعه، صفحه ۴.

که با عشق به این راه قدم می‌گذارند. این راه برای همه آزادگان جهان مقدس است نه فقط برای شیعیان و دوست‌داران حسین علیه السلام. «شاید بتوان گفت اولین کسی که به منظور زیارت مزار شهدا برای خود یک برنامه‌ی هفتگی و منظم پیاده روی قرار داده بود، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بود که همراه با حسنین علیهم السلام برای زیارت شهدای احد به ویژه سید الشهداءی مدینه - یعنی حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله - حرکت می‌کردند. اینکه این حرکت در سیره‌ی حضرت زهرا علیها السلام به عنوان یک برنامه‌ی هفتگی قرار داده شده، خیلی قابل توجه است و اینکه ائمه‌ی هدی علیهم السلام اینقدر بر پیاده روی شیعیان و

زائران تاکید کرده‌اند خیلی معنا دارد. طبیعتاً آنها توجه به جلوه‌ی اجتماعی و تبعات فرهنگی چنین حرکتی داشته‌اند که شیعیان خود را به این حرکت سفارش کرده‌اند.^۷»

در روایات معصومین علیهم‌السلام هم برای زیارت پیاده امام حسین علیه‌السلام ثواب بسیار زیادی برشمرده شده است و فراوان بدان اشاره نموده‌اند: «علی بن میمون صائغ، از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: ای علی! قبر حسین علیه‌السلام را زیارت کن و ترک مکن.

۷ . گفتگوی حجت الاسلام پناهیان با ماهنامه فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴، خبرگزاری فارس / شماره ۸۹۱۰۰۶۰۶۵۵

عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟
حضرت فرمودند: کسی که پیاده زیارت کند آن حضرت را، خداوند
به هر قدمی که برمی دارد، یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از
او محو می فرماید، و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد و وقتی به
زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه
خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد می باشد را
نویسند. و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی
خدا! گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول
او و حزب اهل بیت رسولش می باشی. به خدا قسم! هرگز تو آتش

را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را
طعمه خود نخواهد نمود.^۸

از طرفی دقت در این سخن جایگاه فوق العاده‌ی زیارت اربعین
حضرت را مشخص کرده است؛ امام حسن عسگری علیه السلام فرموده‌اند:
علامت های مومن پنج چیز است:

خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز (نمازهای واجب و
نافله های آن)،

زیارت اربعین،

۸ . کامل الزیارات، ص ۱۳۴.

انگشتر به دست راست کردن،
پیشانی را در سجده بر خاک نهادن،
بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم.^۹

هر انسانی وقتی با این مقدار سفارش و اجر برای زیارت آن
حضرت مواجه شود قطعاً متوجه اهمیت این روز و زیارت پیاده آن
حضرت خواهد شد. و اینکه چطور برای عزاداری به صورت فردی
این مقدار تاکید نشده است؟!

و انسان از ته دل آرزو می کند توفیقش شود پیاده در بزرگترین

۹ . مصباح المتهدد، شیخ طوسی، صفحه ۳۰.

اجتماع انسانی تاریخ بشر قرار بگیرد. اجتماعی که مقصدش یک نقطه و یک جاست. «کربلا». همانجا که در اولین اربعین جابر و عطیبه و زینب علیها السلام و... پا گذاشتند. و حالا بعد از هزار و اندی سال اگر خدا بخواهد و توفیق شود ما نیز قدم در جای قدم‌های آنان خواهیم گذاشت. و انشاءالله در این مسیر با هر قدم مان یک قدم سبک زندگی حسینی را بیشتر از قبل عمل کنیم و ترویج.



«شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان - سیدالشهداء^{۱۰}»

۱۰. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱.

یا اعدا الله
چله غم عاشقان

العیدین

